

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال نوزدهم
شماره ۲۲۴ آبان ماه ۱۳۹۷ نوامبر ۲۰۱۸

فراخواندن به سرپیچی و تهدید ملل جهان

یکی از مسایل مورد مشاجره در مجمع عمومی سازمان ملل متحد دخالت بی‌شرمانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران است. دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده طی سخنرانی شدیدالحنی در اجلاس عمومی سازمان ملل، بیان کرد که ایران تخم «مرگ و نابودی» در جهان می‌کارد و از جامعه جهانی خواست ایران را به انزوا برانند. روشن است که رژیم جمهوری اسلامی چنانچه تخم مرگ و نابودی هم در جهان و هم در منطقه بکارد، ولی یار و غار امپریالیسم آمریکا باشد و سرسپردگی امپریالیسم آمریکا را بپذیرد، آنوقت پاشیدن بذر مرگ و نابودی عاری از اشکال است. مگر اسرائیل و عربستان سعودی این دوستان وفادار آمریکا در منطقه و جهان تخم مرگ و نابودی نمی‌کارند؟ پس چرا ترامپ از آنها حمایت می‌کند؟ هیچ کشوری محق نیست در مجمع عمومی سازمان ملل به تحریک علیه عضو دیگر این مجمع بپردازد و سایر اعضاء سازمان ملل متحد را فرا بخواند که مردم کشوری را به گرسنگی و فقر و نابودی بکشانند. فراخوان ترامپ بر ضد انسانیت و مردم منطقه است. نمونه آن را ما در عراق؛ افغانستان؛ لیبی، یمن و سوریه دیده‌ایم که بر کاحی از دروغ و جعلیات بنا شده بود.

مبارزه با ایران؛ و نه آنطور که وانمود می‌شود بر ضد جمهوری اسلامی؛ نه تنها به تقویت تروریسم در منطقه توسط امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع عرب منطقه بدل شده است، بلکه ایزاری گشته تا امپریالیسم آمریکا نیات و اراده خویش را به سایر رقبای خود تحمیل کند.

ادامه در صفحه ۲

حامیان تروریسم داعش در ایران دشمنان مردم ایران و سوریه هستند

حملات وحشیانه گروه تجزیه‌طلب داعش در رژه پاسداران در اهواز و کشتار بیرحمانه و کینه‌توزانه هممیهنان ما؛ از جانب هر ایرانی وطنپرست و بشردوستی محکوم می‌شود. آدمکشی و تبهکاری هرگز وسیله مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی نبوده و در آینده نیز نخواهد بود. خود رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است که در تبهکاری ید طولائی دارد و از این گروهکهای جاسوس اعم از مجاهد و یا گرد ناسیونال‌شونیست همدست اسرائیل و عربستان سعودی نمی‌هراسد.

مبارزه مردم را با توسل به تروریسم و آدمکشی به جنگ تن به تن بدل کردن، با سیاست تحولات عمیق اجتماعی به دست مردم ایران نمی‌خواند و به آن ربطی ندارد. این تروریستها دشمنان جمهوری اسلامی نیستند، دشمنان ایران و مردم کشور ما و دشمنان مردم منطقه هستند.

ماهیت این اقداماتی که صورت گرفته است، اساسا در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی نیست، در برهم زدن وضعیت ایران به منزله یک کشور مستقل است که با انقلاب بهمن یوغ نوکری آمریکا را که به‌گردن شاه بود بدور انداخت و خشم امپریالیسم تجاوزکار آمریکا را تا به‌امروز برانگیخت. ایجاد آشوب و تجزیه ایران به نفع صهیونیسم و امپریالیسم در منطقه است. تروریسم امپریالیستی و صهیونیستی با تلاش خود در صدد است، عراق، لیبی و سوریه دیگری در منطقه خلق کند. این جنایات مکمل سیاست تحریم اقتصادی ایران و دروغهای نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل است که گویا "بمبهای اتمی" جدیدی در ایران کشف کرده است که باید نابود شوند. تروریسم داعش در ایران ادامه تروریسم ترامپ در ایران است که می‌خواهد حداکثر مجازاتهای غیرقانونی را با گردن‌کلفتی در مورد ایران پیاده کند. تروریسم ترامپ تروریسمی است که همه ضوابط جهانی را با دستی حامل قمه و در دست دیگر ساطور؛ به همه ممالک جهان دیکته

...ادامه در صفحه ۲

بحران آب در ایران، نقش رژیم حاکم و امپریالیسم جهانی

بحران آب در ایران، نقش رژیم حاکم و امپریالیسم جهانی بحران آب در ایران به شدت بالا گرفته است، به قسمی که کارشناسان «جنگ آب» را امری محتوم می‌دانند. متخصصین معتقدند که سرانه آب در ایران نشانه آغاز بحران است. «سرانه آب» از جمله نسبت به دو عامل، حجم آب و جمعیت محاسبه می‌شود. اگر این نسبت از حد معینی کاهش یابد وارد بحران شده‌ایم. حتی برخی کارشناسان معتقدند که از مرحله بحران فراتر رفته و دچار ورشکستگی شده‌ایم. بحران آب در ایران، بحرانی ماندگار است، که قطعا در آینده با مخاطرات بیشتری در این رابطه روبرو خواهیم شد.

امروز بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور در معرض بی‌آبی قرار دارد. رضا اردکانیان، وزیر نیرو، «سال ۱۳۹۷ را سخت‌ترین سال از نظر تأمین آب در کشور طی نیم قرن اخیر» می‌داند و اضافه می‌کند که «۳۳۴ شهر با جمعیت ۳۵ میلیون نفر امسال در وضعیت تنش آبی قرار دارند».

امروز ما با مبارزات و اعتراضات خیابانی مردم در شهرهای مختلف ایران، به ویژه در جنوب مواجه هستیم. در همین تیرماه گذشته هزاران تن در بُرازجان به علت «کمبود و توزیع نامناسب آب»، که باعث اختلال در زندگی مردم شده است، دست به اعتراضات خیابانی زدند. حتی در این تظاهرات از دادن شعارهایی نظیر «نترسید! نترسید! ما همه با هم هستیم» و «مرگ بر دیکتاتور» نهراسیدند، حتی زمانی که امام جمعه و فرماندار در جمع آنها حضور یافتند، با اعتراض شدید آنها مواجه شدند که مجبور به ترک محل گشتند.

در شهر «وحدتیه» در آغاز تیرماه در اعتراض به کمبود آب، مردم، جاده اصلی ارتباط شیراز را مسدود کردند. اعتراض‌های مردم در خرمشهر و آبادان به قطع آب و شوری آن نیز به طور وسیعی به چشم می‌خورد، که باعث درگیری با پلیس و زخمی شدن عده‌ای و نیز دستگیری ۲۵ نفر گردید. در آبادان به علت شوری ...ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

فراخواندن به سرپیچی ...

روحانی رئیس جمهور ایران در این ارتباط بود که در انتقاد ملایم به آمریکا اظهار کرد: "علاوه بر این، آمریکا از سایر کشورها نیز می‌خواهد برجام را نقض کنند. خطرناکتر اینکه، آمریکا همه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را تهدید می‌کند که اگر به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت عمل کنند، مجازات خواهند شد. این دو، یعنی «دعوت عام برای سرپیچی از قانون» و «تهدید قانون مداران به مجازات»، برای اولین بار است که در تاریخ این سازمان، اتفاق می‌افتد. این روش منحصر به برجام نیست، و در برخورد آمریکا حتی با دیوان کیفری بین‌المللی نیز حاکم است."

امپریالیسم آمریکا اساساً انکار نمی‌کند که می‌خواهد با زور بر جهان حکومت کند و رقیبای خودش را تحت فشار قرار دهد. وی نمی‌پذیرد که از این بیعد نقش دلار در تجارت جهانی کاهش یابد و یورو به رقیب آن بدل گشته و مانع شود که آمریکا بحرانهای مالی و اقتصادی خود را با چاپ حجم عظیم اسکناس بی پشتوانه به دوش دیگران منتقل کند. مبارزه با میهن ما ایران، مبارزه با جمهوری اسلامی نیست، ناگفته پیداست که ماهیت داعش، طالبان و عربستان سعودی این متحدان صمیمی آمریکا به مراتب از رژیم جمهوری اسلامی سیامتر و مشمزنکنندتر است. مبارزه با ایران مبارزه برای تقویت سرکردگی امپریالیسم آمریکا در جهان و تسخیر عرصه‌هایی است که آنها را در رقابت جهانی با رقیب از دست داده است. نزاع بر سر تقسیم غنایم است. نزاع بر سر کنترل منابع انرژی منطقه است. امپریالیسم آمریکا حتی حاضر است داعش را در ایران بر سرکار آورد، بشرط آنکه منافع آنی و آتی آنها حفظ شود. امپریالیسم یعنی "تبهکاری، سیاهکاری، ریاکاری و جنایت."

امپریالیسم می‌خواهد مصوبات کنفرانس آمریکا را جایگزین مصوبات سازمان ملل متحد و مجالس ملی سایر کشورها گرداند. زورگویی و دروغ‌پردازی حرف نخست را در جنگ روانی سیاست خارجی آمریکا می‌زنند. اروپا بقدری در این عرصه علیل است که فقط به دلاری ایران مشغول است تا ایران را مهار کند و اسرائیل را حفظ کند. اروپا خودش می‌داند زورش به آمریکا نمی‌رسد. بحثی که در گرفته است، اختراع ساز و کاری برای مبادلات ارزی با ایران نیست، اگر اراده‌ای در کار باشد، این امر عملی است. ولی آمریکا تابع قوانین اقتصادی و حقوقی نیست. آنها تهدید می‌کنند که با این "ساز و کار" مبارزه خواهند کرد و هر کس به آن عمل کند مورد خشم آمریکاست و باید با مجازات آمریکایی حساب کند. آیا اروپا حاضر است مجازاتهای آمریکایی را برای احترام به قانون بپذیرد؟ آیا اروپا زورش می‌رسد که در مقابل قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی و امنیتی آمریکا مقاومت کند؟ هرگز!

خانم فدریکا موگرینی از ساختار ویژه‌ای صحبت می‌کند که به «شرکت‌های اروپایی اجازه می‌دهد مناسبات تجاری خود با ایران را بر اساس حقوق اروپا دنبال کنند». بگفته‌ی وی این ساختار «به‌روی دیگر طرفین بازرگانی در جهان» نیز گشوده است. روز دوشنبه اتحادیه اروپا بر این مبنا اعلام کرد اعضاء اتحادیه؛ سیستم پرداختی را تنظیم خواهند کرد که بر اساس آن کمپانی‌های شرکت‌های نفتی بتوانند با اجتناب از تحریم‌های پس از خروج ایالات متحده از قرارداد هسته-ای، به معامله با ایران ادامه دهند.

این کشورها در بیانیه‌ای گفتند که مصمم «به حفظ آزادی عاملان اقتصادی خود در تجارت قانونی با ایران» هستند.

در حالی که ایالات متحده و دلار بر بخش اعظم تجارت جهانی حکومت می‌کند، این بیانیه حکایت از آن دارد که راهکار تازه خواهد توانست «پرداخت‌های مربوط به صادرات ایران (از جمله نفت) و واردات را به گونه‌ای صورت دهد که عاملان اقتصادی قادر به پیگیری تجارت قانونی با ایران باشند».

همه این دلاری‌ها حرف مفت است. اقدام اروپا نمی‌تواند اقدامی مجرد تنها در مورد ایران باشد. اقدام اروپا اگر جدی باشد، باید دیواری از مقاومت در برابر تحمیل اراده امپریالیسم آمریکا در جهان ایجاد کند که در آرایش نیروهای کنونی جهان عملی نیست. دلاری اروپا اگر صمیمانه باشد باید دولت آلمان ۳۰۰ میلیون یورو پول ایران را آزاد کند و نه آنکه قانون بگذراند تا این پول به ایران حتی از طریق نقدی و نه نظام بانکی منتقل نشود.

نشریه سوئیسی تاگس آنسایگه در زوریخ در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸ نوشت:

"حفاظتی در مقابل تحریم‌های آمریکا وجود ندارد. هیچ شرکت بزرگی جرأت به اقدام ندارد. پیشنهاد ساختار ویژه برای حمایت از تجارت با ایران توسط اتحادیه اروپا؛ فقط در این خدمت است که به آمریکا اعلام مقاومت سیاسی نموده و به ایران تنها حسن نیت نشان دهد."

نشریه صباح چاپ ترکیه نوشت که: "علیرغم مشی ترامپ که در مغایرت کامل با علائق اروپا قرار دارد، سیاستمداران اروپا سکوت می‌کنند. جرأتی وجود ندارد. در این امر؛ ایجاد یک ساختار ویژه برای حمایت از تجارت با ایران نیز تغییری نمی‌دهد. هیچ اروپایی از پس ترامپ بر نمی‌آید. سخنرانی رئیس جمهور فرانسه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گویای این امر است. هیچ چیز نبود، بجز عبارات پوچ."

اظهارات ماکرون در واقع تائید اتهامات امپریالیسم آمریکا نسبت به ایران بود: "ما باید بجای دامن زدن به بحران‌ها، برنامه‌ای برای پرداختن به کلیه مسائل و نگرانی‌هایی که به دلیل سیاست‌های ایران در زمینه‌های اتمی،

موشکی و منطقه‌ای به وجود آمده است ارائه کنیم و برای حل آنها از گفتگو و چندجانبه‌گرایی بهره‌گیریم».

در نشست خبری مشترک مایک پومپئو، جان بولتون و نیکی‌هیلی درباره ایران در تاریخ سه‌شنبه ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۸؛ مسئولان سیاسی دولت آمریکا از اعمال فشار حداکثری بر رژیم ایران سخن گفته و از کشورهای دیگر نیز خواسته‌اند در اتحاد با آمریکا مانع از حمایت ایران از تروریسم بشوند.

خبرگزاری بی بی سی به زبان فارسی اعلام داشت: "جان بولتون مشاور امنیت ملی کاخ سفید روز سه‌شنبه در سخنانی گفته که اگر ایران علیه آمریکا و متحدانش اقدام کند با پیامدهای جدی آن روبرو خواهد شد. او همچنین در مورد "پیامدهای ناگوار" ادامه تجارت با ایران هشدار داد." وی در ادامه هشدار خود به ایران و اروپا بیان داشت: "ما قصد نداریم اجازه دهیم اروپا یا هیچ کس دیگری تحریم‌های ما را دور بزند."

آیا اروپا قادر است در مقابل تهدیدات آمریکا مقاومت کند؟ هیچکدام از شرکت‌های اروپایی از تضمین‌های دولتهای ضعیفشان مطمئن نیستند و به اراده آمریکا تمکین خواهند کرد. حکومت ایران هنوز هم ساده‌لوحانه به وعده‌های امپریالیسم چشم دوخته است. درحالی‌که مقاومت در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم؛ تنها با تکیه به مردم ایران؛ بسج آنها؛ احترام به حقوق و مطالبات آنها و مبارزه با فساد و حکومت آفازده‌ها ممکن است. یا تسلیم ترامپ شدن و یا به نیروی مردم ایران تکیه کردن. راه دیگری وجود ندارد.

حامیان تروریسم داعش در ...

می‌کند و از اپوزیسیون خود فروخته ایران که در البسه‌های گوناگون در بساط این جانپان خوشرقصی می‌کنند، حمایت مالی؛ معنوی و تبلیغاتی می‌نماید. ماهیت رویدادهای اخیر ایران ایجاد تنش و آشوب در منطقه و نابودی ایران است به‌طوریکه شیرازه امور از هم بگسلد تا امپریالیستها به راحتی بتوانند هر گوشه ایران را اشغال کرده و منابع طبیعی کشور را غارت کنند. مثنی اپوزیسیون آمریکایی در ایران فوراً دست بکار شدند تا از طریق شبکه مجازی اکاذیب پخش کنند و برخی بر آن شدند تا دسیسه‌های اسرائیلی و امپریالیستی را به دم "مبارزات مدنی" در ایران بچسبانند و تروریسم را به سرکوب آنها نسبت دهند. مثنی دیگر فوراً این اقدام را کار خود رژیم جمهوری اسلامی جا زدند و در حالیکه سیاه روی سفید تروریستهای داعش در صفحات تلویزیونی ارتجاع منطقه و جهان به یاری ممالک امپریالیستی ظاهر شده و از تبهکاری خود دفاع می‌کردند و در حالیکه همه خبرگزاریهای جهان حتی صهیونیستها؛ وابستگی این ... ادامه در صفحه ۳

حامیان تروریسم داعش در ...

عده را به داعش تائید می‌کردند، اپوزیسیون خود فروخته و حقیر و مزدور ایرانی؛ این کار را به حساب جمهوری اسلامی می‌گذاشت و می‌گذازد تا تروریسم داعش را تائید کند و آنها که مودی‌تر هستند و در پشت پرده؛ حامی آمریکا محسوب می‌شوند، حتی تا جایی پیش رفتند که با نعل وارونه زدن مدعی شدند رژیم جمهوری اسلامی دارد ایران را به سوریه بدل می‌کند. آنها همان حرف امپریالیسم آمریکا را می‌زنند که با حمایت از گروه‌های تروریستی و مزدور بیگانه؛ کشور مستقل سوریه را به خاک خون کشیدند و رژیم مستقل، مشروع و قانونی آنجا را که مورد حمایت مردمش بود و هست آماج تجاوز و حملات بی‌شرمانه خود قرار دادند. همان هواداران داعش در ایران نیز سروکله‌شان پیدا شده و آرزوی وضع سوریه در ایران را دارند. مبارزه با داعش را محکوم می‌کنند به این امید که ایران سوریه شود. پاره-ای از این خود فروخته‌های اپوزیسیون که از امپریالیستها و عربستان سعودی پول می‌گیرند، حتی به بحث‌های تئوریک برای حفظ آبروی نتانیاهو متوسل شده‌اند و مدعی هستند خود رژیم جمهوری اسلامی داعش است و لذا اپوزیسیون انقلابی ایران نباید تروریست‌های واقعی داعش؛ بلکه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کند. این عده با خلط مبحث و آسمان و ریسمان بافی در پی حمایت از تشنج در ایران و حمایت بیدریغ از داعش هستند و به این توهم امپریالیستی دامن می‌زنند که تروریسم چون موجب نگرانی رژیم جمهوری اسلامی است مثبت بوده و باید مورد تائید قرار گیرد. خبرگزاری العربیه علیرغم غضب اپوزیسیون خودفروخته ایران اعتراف می‌کند:

دبی. العربیه نت فارسی

«۲ برادر در این حمله تروریستی شرکت داشتند که ۲ برادر دیگر آنها جزو گروه‌های منتسب به داعش بوده و پیش از این در سوریه کشته شده‌اند.» «در سوی مقابل داعش نیز یک فایل صوتی از «آبی الحسن مهاجر» سخنگوی خود منتشر کرد که در آن تاکید کرد این حملات را نیروهای داعش انجام داده و وعده داد در آینده اقدامات سخت‌تری علیه ایران صورت گیرد.»

در حالیکه سران بسیاری ممالک جهان این تبه‌کاری تروریستی را در ایران محکوم کردند، ارتجاع عرب برخورد به‌ان را مسکوت گذارد حتی امپریالیست‌های اروپائی که این گروه‌های تروریستی را در ممالک خود تقویت می‌کنند و به آنها کمک مالی می‌نمایند و از "حقوق مدنی" آنها دفاع کرده و یا دلشان برای "حق تعیین سرنوشتشان" به یاری خود امپریالیستها می‌سوزد نیز؛ زبان به انتقاد گشودند. این ممالک اروپائی و آمریکائی همانهایی هستند که به این گروه‌های تروریستی ناسیونال‌شونیست و سازمان جاسوسی مجاهدین و سلطنت طلبان و... تلویزیون داده‌اند و آنها

مرتب در رادیوهای بیگانه و ضد ایرانی به تبلیغات اسارت‌آور برضد خلق ایران مشغولند. یعقوب حر تستری تروریست داعشی در پاسخ به رسانه آلمانی "دویچه‌وله" گفت این گروه: "به دلایل سازمانی در حال حاضر مسئولیت این حمله مسلحانه را بر عهده نمی‌گیرد، اما مقاومت ملی الاحواز مسئولیت حملات را می‌پذیرد." وی افزود این گروه حمله روز شنبه در اهواز را: "یک عمل مشروع در مقابل انتقال آب به مناطق مرکزی ایران، فقر، تبعیض و اعدام‌ها" می‌داند.

دویچه‌وله اشاره کرد: جنبش عربی آزادیبخش الاحواز یا "حركة النضال العربي لتحرير الاحواز" یک گروه تجزیه‌طلب مسلح اهوازی مخالف ایران است که در سال ۲۰۰۵ تاسیس شد. در برنامه این گروه، آزادسازی اهواز از آنچه "اشغال فارسی" نامیده شده و تلاش برای به رسمیت شناخته شدن "حق حاکمیت و استقلال ملت عرب احواز" و همچنین تاسیس "دولت عربی الاحواز" به عنوان بخشی از اهداف "جنبش عربی آزادیبخش الاحواز" آمده است. واقعیت ولی این است که سابقه تاریخی این گروه الاحواز به تلاش‌های صدام حسین برای تجزیه ایران برمی‌گردد. صدام حسین بود که از این گروه و از جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه، حزب دموکرات کردستان ایران و... به عنوان اپوزیسیون ایران دعوت کرده بود که در نشستی بر ضد حکومت وقت ایران شرکت کنند و اعلامیه مشترک با یکدیگر بدهند. این اعلامیه در آن زمان منتشر شد و لکه ننگی به دامن حزب دموکرات کردستان ایران و جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه بود.

گرت مارکیز سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در بیانیه خود در دفاع از تروریسم و منحرف کردن افکار و انداختن مسئولیت تبه‌کاری داعش به گردن رژیم جمهوری اسلامی افزود: "ایالات متحده در کنار مردم ایران می‌ایستد و از رژیم تهران می‌خواهد که بر حفظ امنیت مردمش در داخل کشور تمرکز کند.

ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران را به حمایت از گروه‌های تروریستی و بی‌ثبات سازی در خاورمیانه متهم می‌کند".

آمریکا بزرگترین عامل بی‌ثباتی و تروریسم در جهان که برای آشوب و تشنج در جهان مزدور صادر کرده و اسلحه تولید می‌کند یکی به‌نعل و دیگری به میخ می‌زند تا موجبات تقویت استدلالات اپوزیسیون خودفروخته ایرانی را فراهم آورد.

همین سیاست است که به آقای روحانی رئیس جمهور ایران "فرصت طلایی" می‌دهد در مجمع عمومی سازمان ملل با افسانه‌گری غیرقابل انکار در مورد تروریسم جهانی؛ چهره‌ای "انسانی" و "قانونمدار" از رژیم فاسد؛ دزد و متعرض جمهوری اسلامی ترسیم کند. وی این پرسش را برای گوش شنوا مطرح ساخت: "ولی چرا روسای سازمان‌های

تروریستی منجمله سازمانی که مسئولیت رسمی عملیات شنبه را به عهده گرفت در کشورهای غربی فعالیت می‌کنند و برنامه رسمی برای جمع‌آوری پول می‌گذارند؟ آیا این اقدامات مغایر مقررات بین‌المللی نیست؟ چرا هیچیک از کشورهای تامین کننده مالی گروه‌های تروریستی ضد مردم ایران که سابقه تامین مالی و تسلیحاتی داعش و النصره و القاعده را نیز دارند نه تنها مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرند، بلکه تشویق و تسلیح هم می‌شوند؟ برای اینکه دنیا ادعای مبارزه با تروریسم را جدی بگیرد، نیازمند یک اقدام مشترک جهانی برای برخورد جدی با این پدیده شوم بدون توجه به عاملین و قربانیان آن هستیم".

سخنان روحانی خطاب به یاران داعش عربستان سعودی و امارات متحده عربی و اتحادیه اروپا و آمریکا است که به‌دروغ پرچم مبارزه ضد تروریستی بلند کرده‌اند و به ایرانی‌های مزدور کمک مالی می‌کنند. مضمون تروریسم امپریالیستی-صهیونیستی، تروریسم "خوب" مال ما و "بد" مال آنهاست. ریاکاری از این همه "مبارزه ضد تروریستی" امپریالیستها می‌بارد. روز جمعه آقای مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در همدستی با تروریست‌های داعش هشدار داد که: "اگر دست نشاندگان ایران به هدف‌ها و منافع آمریکا در خاورمیانه حملهور شوند، ایالات متحده «منبع اصلی را نشانه خواهد رفت».

وی به "سی ان ان" گفت: «ما به جمهوری اسلامی ایران گفته‌ایم که استفاده از نیروی دست نشاندگان برای حمله به منافع آمریکا مانع از پاسخ مستقیم ما به نقش-آفرین اصلی نخواهد شد». «یعنی، اجازه نخواهیم داد ایران با استفاده از نیروی دست‌نشانده در حمله به منافع آمریکا، از مجازات فرار کند. در مقابل چنین اتفاق‌هایی، ایران مسؤول شناخته خواهد شد».

وی افزود: «ایران منتهاست به عنوان بزرگترین کشور حامی تروریسم، با جهان به مقابله برخاسته است». «آنها شبه نظامی‌ها، حزب‌الله لبنان، مکتایب حزب‌الله - شبه نظامی- های عراق را مسلح می‌کنند، حوثی‌های یمن را مسلح می‌کنند و موشک به داخل کشورهای خلیج می‌فرستند».

سخنان وزیر امور خارجه آمریکا حمایت روشن از تروریسم داعش در منطقه است و به‌طور روشن از تجاوز به سوریه؛ لبنان؛ بحرین و یمن و جنایات سعودی‌ها و ناتو در آنجا دفاع می‌کند. امپریالیسم آمریکا خود از آن سر جهان به منطقه آمده است، در امور داخلی منطقه دخالت جنایتکارانه می‌کند و به‌عنوان اجنبی با هیچ یک از کشورهای منطقه هم‌جوار نیست ولی تبه‌کارانه در امور داخلی منطقه دخالت کرده آنرا حق طبیعی خویش می‌داند. گویا این ایران؛ لبنان؛ یمن و سوریه هستند که در منطقه زیادی‌اند و نه اسرائیل و آمریکا.

رخدادهای تروریستی اخیر متأسفانه نه تنها موجب تقویت... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

حامیان تروریسم داعش در ...

جمهوری اسلامی شده است؛ نه تنها مبارزه مردم را با نگرانی و احساس واهمه از آینده مواجه کرده؛ بلکه متحد ناراضی برای آنها آفریده و مبارزه مردم را به تاخیر انداخته است. این اقدام امپریالیسم خوشبختانه دست اپوزیسیون خودفروخته و مزدور ایران را نیز رو کرده است. اپوزیسیونی در ایران چنانچه حاضر نباشد بر ضد تروریسم، امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه کند و خودش را زیر نقاب "مبارزه مدنی" و "حقوق بشر" "حق تعیین سرنوشت" پنهان کند این اپوزیسیون تعلق خاطرش به ترامپ و نتانیاهو است تا به مردم قهرمان ایران و خواهان آن است که ایران سوریه شود.

بحران آب در ایران ...

آب «رودخانه بهمنشیر»، که تأمینکننده آب آشامیدنی در این شهر و خرمشهر است، آب جیرمبندی شده است. شوری آب این رودخانه به حد شوری آب دریا رسیده و به همین دلیل برداشت از آن برای تأمین مایحتاج مردم در خرمشهر و آبادان غیر ممکن گشته است. مردم می‌گویند که آب لوله‌کشی این دو شهر «آب‌نمک» است. بدون شک مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران نخواهند توانست مشکلات فزاینده‌ای که در مسیر تأمین آب شرب و کشاورزی پایدار در استان خوزستان وجود دارد، رفع کنند. لذا ما در آینده با مبارزات خونین و به بیان روشن‌تر با «جنگ آب» روزافزون روبرو خواهیم بود. علاوه بر این علی‌رغم اینکه کمبود آب پشت سدهای استان خوزستان بسیار محسوس است و حتی تأمین «حق آبه» تالاب‌های «شادگان»، «هویزه»، «میانگران» و سایر تالاب‌ها وجود ندارد و در شهرهای کنار کارون مانند «ایذه» و «باغ‌ملک» با تانکر آب به مردم می‌رسانند، در شرایطی که پیشه بسیاری از مردم در مسیر رود کارون، کشاورزی است، که همین امروز به خاطر کمبود آب به وضع فلاکت‌باری دچار شده‌اند، گویا مسئولین نظام در خفا بخشی از آب کارون را به سمت بصره در عراق روان ساخته‌اند. هدایت‌الله خامنه‌ای، نماینده «ایذه» و «باغ‌ملک» معتقد است: «مسأله انتقال آب کارون به بصره جدی است و قرار است بخشی از این آب را مفت و مجانی از دست بدهیم». منابع محلی مناطق خوزستان، عرب‌نشین در همین رابطه اظهار داشته‌اند که «این طرح در قالب پروژه عظیم آبرسانی الغدیر خوزستان، که از ایستگاه پمپاژ قیصریه در بخش هویزه شهرستان دشت آزادگان در حال تکمیل است، به اجرا گذاشته خواهد شد که قرار است تا منابع شرب بیش از ۲ میلیون شهروند ساکن شهر بصره را تأمین کند». از سوی دیگر شبکه ملی «بلادی» عراق با پخش خبری در این زمینه گفت که «مقامات عالی‌رتبه ایرانی و عراقی در رابطه با طرح

انتقال آب به تفاهم رسیده‌اند». بدون تردید انتقال آب به کشور عراق بحران آبی خوزستان را تشدید خواهد کرد. جالب اینجاست که مسئولین جمهوری اسلامی مثل همیشه تصمیمات به این مهمی را از مردم پنهان می‌دارند، زیرا که هم به مردم بی‌اعتمادند و هم از مقاومت و مقابله مردم بیم دارند. کمبود و شوری آب در این استان خشم مردم را خواناخواه برانگیخته است. عدم صراحت و پنهان‌کاری رژیم در رابطه با انتقال آب کارون به بصره نیز این روزها خشم مضاعف مردم را موجب شده، و برای شایعات نیز زمینه فراهم آورده است.

اما چرا در ایران «بن‌بست آبی» بوجود آمده است؟

اگر از کاهش بارندگی در ایران بگذریم، عوامل مهم دیگری نیز در این راستا نقش دارند، که ما در زیر به طور میسوط به آنها اشاره خواهیم کرد.

یکم اینکه وزارت نیرو اعلام کرده است که به علت کاهش بارندگی در ۲۱ استان کشور نسبت به سال گذشته - علی‌رغم بارندگی‌های بهار ۱۳۹۷ - در ۳۳۴ شهر «تنش آبی» بوجود آمده است. میزان باران در مجموع ۲۷ درصد کاهش نشان می‌دهد.

حتی حوزه آبریز خلیج فارس و دریای عمان با افت ۴۱ درصد بارش نسبت به سال گذشته بدترین شرایط را با ۷۵ درصد افت داشته‌اند. سیستان و بلوچستان ۷۳ درصد، کرمان ۶۹ درصد، فارس ۶۶ درصد و بوشهر ۶۱ درصد کاهش، کم بارش‌ترین مناطق کشور محسوب می‌شوند. به همین دلیل مدیر عامل شرکت مدیریت آب به سایت خبری ایسنا گفته است که «سال گذشته حجم آب‌های سطحی کشور ۳۲ میلیارد متر مکعب بود و امسال به ۲۵ میلیارد متر مکعب رسیده است». این در حالی است که این رقم در سال ۱۳۷۰ حدود ۸۰ میلیارد متر مکعب بوده است! طبیعی است که در چنین وضعی؛ ورودی سدها کاهش چشم‌گیر داشته باشد و با ادامه مصرف آب بی‌رویه تاکتونی، ذخائر آبی نیز به تدریج از بین بروند. امروز از میان ۱۷۷ سد در شش حوزه آب ریز اصلی کشور ۹۰ سد بزرگ از جمله سدهای «زاینده‌رود»، «شهید رجایی»، «ساوه»، «کوثر» و «ملاصدرا» کمتر از ۴۰ درصد آب ذخیره شده‌اند. حجم ذخیره مخزن زاینده رود به ۲۵۰ میلیون متر مکعب رسیده است، که فقط ۱۷ درصد حجم سد است. از سوی دیگر سرانه کمتر از ۵۰۰ متر مکعب آب به معنای بحران مطلق است و امروز مثلاً در تهران این رقم به ۳۳۰ متر مکعب رسیده است.

این نکته حائز اهمیت است که مرز برداشت آب از منابع تجدیدپذیر ۲۰ درصد است، ولی در ایران این رقم به ۸۰ درصد رسیده است. چرا؟ زیرا سرانه مصرف آب در ایران دوبرابر متوسط جهان است. و نظام فاسد و بی

عمل جمهوری اسلامی بزرگترین هنرش قطع آب و جیرمبندی آن است.

دوم اینکه قدیم چشمه‌ها و روخانه‌ها منابع آب شرب و کشاورزی بودند. اما از آنجا که این منابع در طول فصول سال یکسان نبودند، ایرانیان به فکر حفر قنات یا - کاریز - در مسیر کوه‌پایه‌ها، چشمه‌ها و رودخانه‌ها افتادند. این ابتکار بی‌نظیر چندین هزار سال است که در ایران قدمت دارد. سیستم قنات از آن جهت مناسب‌ترین است، چون بدون استفاده از انرژی به وسیله نیروی ثقل به سطح زمین منتقل می‌شود. این روش هنوز هم مناسب‌ترین روش تأمین آب در ایران به شمار می‌آید.

از ۴ هزار سال پیش به این سو در «بیزد»، قنات، مهم‌ترین منبع تأمین آب ساکنین این منطقه بوده است. تا سال ۱۳۲۰ حدود ۴ هزار قنات، نه تنها آب شرب و کشاورزی این شهر را تأمین می‌کردند، بلکه سنگ هزاران آسیاب آبی را نیز به گردش درمی‌آوردند. در بسیاری از شهرهای ایران علاوه بر یزد، در کاشان، تهران قدیم، زواره، شهر ری، شیراز، اصفهان و ... این سیستم، آب مصرفی مردم را تأمین می‌کرده است.

علاوه بر این آب‌انبار یا حوض، استخر سرپوشیده است که زیر زمین ساخته می‌شود و در مناطق کم‌آب و کویری از آب باران و جویبارهای فصلی پُر می‌شود. این سیستم نیز بیش از ۷۰۰ سال در ایران قدمت دارد. بسیاری از این آب‌انبارها در صورت نیاز امکان اتصال به قنات را نیز داشته‌اند. در این سیستم توازن طبیعی لایه‌های پُر آب زمین در مناطق گوناگون صورت می‌گیرد و مانع افت سطح ایستایی آب می‌گردد.

اما علی‌رغم هشدار مکرر کارشناسان، چه در دوره نظام شاهنشاهی و چه در جمهوری اسلامی به ساختن چاه‌های عمیق، که موجب مرگ قنات می‌گردد، ادامه دادند و به کمبود یا بحران آب دامن زدند.

با اختراع «چاه» به تدریج چاه جای «قنات» را گرفت که این امر خود یکی از دلایل عمده کمبود آب در ایران است. پرفسور پرویز کردوانی اظهار می‌دارد که «چاه‌های عمیق و نیمه عمیق بود که کشور را بیچاره کرد».

چاه‌هایی که بیش از ۵۰ متر عمق دارند، جزء چاه‌های عمیق به شمار می‌آیند. در تهران حتی چاه‌هایی به عمق ۶۰۰ متر هم داریم. پرویز کردوانی اضافه می‌کند که «هر چه عمیق‌تر برویم، آب زودتر تمام می‌شود». و ادامه می‌دهد که «یکی از دلایل خشک شدن سه چهارم دشت‌ها همین چاه‌ها هستند». چاه‌ها در عین حال خشک شدن قنات‌ها را نیز به دنبال داشتند، زیرا چاه‌ها حجم وسیعی از آب را یکباره به سطح منتقل می‌کنند و در نتیجه در سیستم قنات خلل مرگ‌آور ایجاد می‌کند.

حتی در نزدیکی‌های دریا نیز به علت ساختن چاه‌های فراوان، آب شور دریا پیشروی می‌کند و در نتیجه آب چاه ... ادامه در صفحه ۵

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند

روی رودخانه فرات، که از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین سدهای «پروژه گاپ» (طرح عمرانی دولت ترکیه) نام می‌برند و یا «سد ایلپسو»، که بر روی رودخانه دجله تعبیه شده است، نه تنها در خشکسالی و کم‌آبی در سوریه و عراق تأثیر گذار بوده است، نه تنها در شور شدن آب در جنوب عراق نقش داشته است، بلکه تالاب‌های جنوب عراق را نیز کم آب ساخته، که

با خشک شدن کامل فاصله چندانی ندارند. زیرا ساختن این سدها که ۱۲۰ میلیارد متر مکعب آب را ذخیره می‌کنند در کنار خشکسالی در خاورمیانه باعث شده است که جریان آب در رودهای دجله و فرات ۴۰ درصد کاهش یابد. این روند نه تنها مردم بومی در عراق را، که حتی کشور ما را نیز تهدید می‌کند. «هورالعظیم»، یکی از مهم‌ترین این تالاب‌ها است که بین ایران و عراق قرار دارد. در سال‌های گذشته خشکی تالاب‌ها موجب تشدید توفانهای شنی و بروز پدیده ریزگردها در خوزستان، ایلام، کرمانشاه و دیگر استان‌های همجوار بوده، که عرصه را بر مردم این مناطق تنگ کرده است. ناگفته نماند که افزایش توفان‌های شنی تغییرات محسوسی در اکوسیستم (نظم طبیعی) میان رودان بوجود آورده است. متخصصان معتقدند که مسبب همه این بلاها همان «پروژه گاپ» ترکیه است و دولت ایران در این رابطه هیچ اقدامی و اعتراضی نسبت به این سیاست خودخواهانه دولت ترکیه انجام نمی‌دهد. البته به این نکته نیز باید اشاره کرد که سدسازی ایران بر روی رودخانه‌های کارون و کرخه نیز در خشک کردن برخی از تالاب‌های منطقه و تأثیرات مخرب آن نیز تأثیر مستقیم داشته است.

در کنار این بیسامانیهای ناشی از فساد رژیم حاکم در ایران؛ دولت ایران برای کسب ارز و تامین دزدیهای آقازاده‌ها به صدور میوه های آبر بر امارات متحده عربی پرداخته است. صدور انگور، هندوانه؛ توت فرنگی که مملو از آب هستند به ممالک عربی خلیج فارس مفهومی جز صدور آب ندارد. برای تاجر حاکمیت؛ کسب ارز مهم است، اما اینکه در ایران آب را "بر روی خانواده امام حسین ببندند و به آنها تشنگی دهند" و اگر همه ایران نیز "کربلا" شود برای حاکمیت فاسد و دزد اهمیت ندارد. آنها راه اقامت در کانادا، استرالیا، زلاند نو و آمریکا را برای خود پیدا کرده اند و در آن مکانها کمبود آب حس نمیشود. منطق حاکمیت این است "هر آنکس که دندان دهد نان دهد" و اگر آبی برای طهارت وجود ندارد مسلمانان تیم کنند.

در ایران حدود چهل سال بعد از انقلاب هنوز نتوانسته اند از آبهای مورد بهره برداری مردم در شهرهای بزرگ با استفاده از فن آوری مدرن و ایجاد صنایع زیرساختی؛ لوله کشی، ساختن فاضلاب... ادامه در صفحه ۶



یا فاضلاب پول ندارند!

چهارم اینکه اداره بی‌رویه آب سدهای کشور که تعدادشان هم کم نیستند. یکی دیگر از دلایل کمبود آب در ایران بشمار می‌آید. علی‌الاصول می‌بایست مقداری از آب سدها را برای تالاب‌ها اختصاص داد، مقداری را برای کشاورزی و مابقی را برای شرب و صنعت. اما در جمهوری اسلامی قانونی تصویب کرده‌اند که طبق آن ابتدا باید آب شرب شهرها و سپس صنعت تأمین شود و اگر چیزی باقی ماند به کشاورزی اختصاص دهند. در این قانون نامی از تالاب و باتلاق به میان نیامده است! گویا اخیراً نظرشان تغییر کرده است، که البته «نوش دارو پس از مرگ سهراب» است. برای نمونه آب زاینده رود را برای شرب و صنعت ابتدا به اصفهان و کاشان دادند و سر کشاورزان بی‌کلاه ماند. در یزد هم همینطور و اکنون ۹۰ درصد روستاهای یزد در اثر بی‌آبی تقریباً خالی از سکنه‌اند. از سوی دیگر «خانه کشاورزان» شهرستان بهرمان اظهار داشت که «۹۸ درصد باغات پسته رفسنجان رو به نابودی است». رود کارون نیز به سرنوشت مشابهی دچار شده است. در واقع خطر به خشکی گرائیند زاینده رود و کارون هر روز بیش از روز پیش این دو رودخانه مهم کشور را تهدید می‌کند. طبعاً کمبود آب، کمبود محصولات کشاورزی را نیز به دنبال خواهد داشت. مضافاً اینکه کشاورزی ایران آنطور که باید با فناوری پیش نمی‌رود. در نتیجه ناچاریم که روز به روز مواد غذایی بیشتری را از خارج وارد کنیم که پی‌آمدی جز به خطر انداختن امنیت غذایی کشور نخواهد داشت.

تنظیم تعادل جمعیت و ایجاد امنیت غذایی در کشور، اقدامات عاجلی هستند که در اثر بحران آب روز بروز بیشتر ضرورت خود را عیان می‌سازند. کارشناسان بر این نظر هستند که «اگر طرح آمایش سرزمینی درست اجرا شود، جمعیت را باید تشویق کنیم به کنار دریاها و منابع آبی بروند. اما متأسفانه در این زمینه هیچ کاری نمی‌کنیم و جمعیت شهری مانند تهران، گسترش پیدا می‌کند و برای تأمین آب این جمعیت مجبور به احداث سد هستیم».

بی‌توجهی و بی‌عملی مسئولان جمهوری اسلامی در قبال سیاست آبی ترکیه عواقب بس ناگوار و نگران‌کننده‌ای برای مردم کشور ما داشته است. مثلاً احداث «سد آتاتورک» بر

بحران آب در ایران ...
را نیز شور می‌کند. برای نمونه تنها در یزد ۸۰۰ قنات خشک شده‌اند. حتی مرگ چاه‌های عمیق و نیمه عمیق به دلیل افت سطح ایستائی و خالی شدن آب‌های فسیلی به تدریج قابل رویت است. «نشست زمین» یکی دیگر از عواقب چاه زدن‌های بی‌رویه است. در تهران در مناطقی که

چاه زده‌اند، زمین سالانه ۳۶ سانتیمتر نشست می‌کند. هم‌اکنون در «کبودرآهنگ» بزرگترین نشست زمین رخ داده است. شکستن لوله‌های گاز، ریختن بعضی از ساختمان‌ها و شکسته شدن برخی از پل‌ها، پی‌آمد همین نشست زمین است. هم‌اکنون کارشناسان در رابطه با ریل قطار تهران - مشهد هشدار می‌دهند که به دلیل آنکه دشت‌های تهران، ورامین، سمنان، سبزوار، شاهرود، نیشابور و مشهد نشست داشته‌اند، امکان شکستگی خط آهن منتفی نیست.

یکی دیگر از مضرات ساختن چاه، خشک شدن گیاهان است. ریشه درختان تا عمق ۳۰ متر از زمین آب می‌گیرند ولی اگر آب به عمق بین ۵۰ تا ۶۰۰ متر پائین رود، درختان خشک می‌شوند و دشت‌های سبز نیز به طریق اولی به بیابان مبدل می‌شوند. زدن چاه‌ها، حتی خشک شدن تالاب‌ها را تسریع می‌کند. پروفیسور کردوانی می‌گوید: «مثلاً دریاچه پریشان در کازرون به خاطر زدن چاه‌ها خشک شده است. چاه‌ها حتی در کم‌آب و یا خشک کردن رودها نیز بی‌تأثیر نیستند». کردوانی اضافه می‌کند که «مسئولین امور این تکنولوژی (زدن چاه و پمپ آب و ...) را در اختیار مردم قرار دادند، اما به آنها نگفتند که آب چاه تمام می‌شود، یا شور می‌شود».

سوم اینکه به قول پروفیسور کردوانی «شیر و شلنگ» نیز عامل سومی بود که به کم‌آبی ضربه زد" در کارواش‌ها و چه در منازل با مصرف بی‌رویه آب، این گوهر گرانبها را به هدر می‌دهند. برای خروج از بحران آب و یا حداقل تخفیف شدت آن، می‌بایست اولاً هرچه سریع‌تر به تعبیه سیستم قنات روی آورد، زیرا قنات یا کاریز یکی از راه‌های طبیعی حصول آب بر مبنای توازن طبیعی لایه‌های پر آب زمین در مناطق گوناگون است که در عین حال مانع افت سطح ایستائی آب می‌گردد. گام مهم بعد راه حل استفاده از سیستم آبیاری قطره‌ای است که مستلزم داشتن تکنولوژی لازم و سرمایه‌گذاری مورد نیاز می‌باشد. اصولاً آمایش سرزمینی (برنامه‌ریزی فضای منطقه‌ای و شهری) در قاموس رژیم فاسد و غارتگر جمهوری اسلامی نیست. آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین اقدام از جانب این رژیم ضد مردمی همان قطع آب، جبرمندی و یا تغییر مسیر این و یا آن رودخانه به این و یا آن منطقه کم‌آبتر است. برای تصفیه آب باران و

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

بحران آب در ایران ...
و آلودگی زدائی از آبهای آلوده و بهره برداری مجدد از آنها بر این مشکل غلبه کنند.
در زمینه فرهنگی نیز کار رژیم زار است و نمیتواند از همان دوران نخست آموزشی به کودکان که نسل آینده ایران هستند تفهیم کند که در مصرف آب صرفه جوئی کنند. برای این کار باید با روحیه منش فردی مبارزه کرد و مردم را به مشارکت و احساس همبستگی و همسرنوشتی فراخواند تا اهمیت قدرت جمعی را برای حفظ بقاء خود حس کنند. تبلیغ فردگرایی از سیاستهای نولیبرالی رژیم است و این است که هر کس متمکن است، حق دارد انواع و اقسام اتومبیلهای شیک خود را با آب آشامیدنی مردم شستشو دهد و استخرهای آنچنانی در مسکن خود بسازد و به ریش مردم تشنه بخندد.

بی‌لباقتی و بی‌توجهی دولت جمهوری اسلامی نسبت به سیاست‌های مخرب سدسازی در ترکیه، بیتوجهی به چاهسازی بی‌رویه در شهرهای ایران، تخریب قنات‌ها، عدم امکانات لازم جهت تصفیه آب باران و فاضلاب. عدم مدیریت صحیح سدها و ... که جملگی عواقبی چون خشکی دشت‌ها، توفان ریزگردهای خفه کننده، جیره بندی و قطع آب و در یک کلام در بی‌آبی قرار گرفتن ۷۰ درصد مردم (یعنی ۵۶ میلیون نفر از هموطنان ما)، تحدید امکانات آبرسانی به کشاورزان، به مخاطره‌افتادن امنیت غذائی و ... را به دنبال داشته است، نشان از ورشکستگی سیاست آبی نظام جمهوری اسلامی و ایجاد بحران ماندگار در ایران دارد. مبارزات اخیر مردم در شهرهای مرکزی و جنوبی کشور که در حال حاضر بیش از مناطق دیگر کشور در معرض پی‌آمدهای این بحران قرار گرفته‌اند، از یکسو نشانه وخامت اوضاع و از سوی دیگر نشان از بیداری و شجاعت مردم و در عین حال نفرت آنها از این نظام زورگو و غارتگر دارد.

باشد تا با تداوم و گسترش مبارزات مردم ایران نظام جمهوری اسلامی به زانو درآید.
امارات متحده عربی در پی آن هستند که با ایجاد نیروگاههای هسته‌ای به تبدیل آب شور به شیرین بپردازند. البته آنها همین کار را با کارخانه‌های تصفیه آب که با نیروی فسیلی راه اندازی شده‌اند انجام میدهند. ولی این کار نه از نظر اقتصادی و نه از نظر محیط زیست و نه از نظر توجه به ارزش مواد فسیلی در سایر عرصه‌های علمی و تولیدی به صرفه است. ایجاد نیروگاههای هسته‌ای برای تامین آب آشامیدنی مردم باید علیرغم تبلیغات اپوزیسیون خودفروخته و آمریکائی-اسرائیلی ایران در دستور کار حکومت قرار گیرد. بر سر این مسئله حیاتی که به بقاء مردم ایران مربوط است هرگز نباید با امپریالیسم و صهیونیسم سازش کرد. ایران باید به نیروی مردم کشورش متکی شود و در مقابل زورگویی امپریالیسم ایستادگی کند. کاری که



متأسفانه از دست یک رژیم فاسد برنمی‌آید. آنها حتی آب را از مردم کشور ما دریغ خواهند کرد.

در ممالک اروپائی با دوراندیشی؛ آب آشامیدنی مردم را در بطریها ریخته اند و در سراسر جهان به فروش میرسانند. امپریالیستها از هم اکنون انحصار تولید و توزیع آب آشامیدنی مردم جهان را در دست گرفته اند و وقتی به اندازه کافی قدرت یافتند تمام سرچشمه های آب را نابود میکنند تا تمام اهالی کره زمین به نوشیدنیهای در بطری آنها وابسته شوند. امپریالیسم فرانسه و آلمان در این عرصه بسیار پیشرفت کرده‌اند و مانند موربانه پایه های جهان را می‌جویند.

به این جهت مبارزه برای تامین آب آشامیدنی مردم میهن ما تنها یک مبارزه ضد رژیم جمهوری اسلامی نیست، یک مبارزه منطقه‌ای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی نیز خواهد بود. کسانی که در بحران آب فقط پای رژیم فاسد و دزد سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را به میان میکشند و از یک برخورد همه جانبه با غارتگران جهانی پرهیز مینمایند، عمال جاسوسی و تروریسم بین‌المللی هستند و دلشان برای عطش مردم ایران نسوخته است. آنها در عطش اخاذی از بیگانگان به سر می‌برند.

برخورد کمونیستی به مسئله ملی ...

انقلابی و دموکراتیک سوریه متحداً برای یک سوریه آزاد و دموکراتیک و ضد امپریالیستی مبارزه کنند به راه تجزیه طلبی و جدائی خویش از نیروهای انقلابی سوریه رفته‌اند و مدعی‌اند که از آمریکا برای نیل به اهداف خود به طور تاکتیکی استفاده می‌کنند. مفهوم این ادعا این است که گردهای سوریه دشمنان خویش را نه در آمریکا و داعش و ارتجاع سوریه و ترکیه، بلکه در مردم سوریه می‌بینند و ضد عرب‌باند و با افسانه یاری "موقت" با آمریکا می‌خواهند در دریای موجود ممالک ارتجاعی منطقه با قدرت تخیل فراوان،

"حکومت شورائی و سوسیالیستی" و یا چیزی شبیه آن بسازند. آیا امپریالیسم آمریکا با استقرار چنین حکومتی در منطقه موافق است؟ آیا امپریالیسم آمریکا سوسیالیسم نوع روزاوائی را به رژیم بشار اسد ترجیح می‌دهد؟ باید پرسید آیا این جناح "چپ" گردهای سوریه هستند که سر آمریکا را کلاه می‌گذارند و یا این آمریکای مارخورده افعی شده است که سر آنها را با تکیه به ناسیونال شونیسم کور گرد و تبلیغ نفرت ملی کلاه می‌گذارد؟ امپریالیسم آمریکا بعد از شکست در پروژه داعش به دنبال پروژه "کردستان آزاد سوریه" به عنوان پایگاه امپریالیسم آمریکا در منطقه است. جناح دست راستی گردهای سوریه که صمیمی‌تر از "چپ"‌های خودفریفته هستند، به روشنی بیان می‌کنند که آمریکا متحد راهبردی ما در منطقه است و ما باید به آنها تکیه کنیم تا به نیروهای مترقی و انقلابی سوریه. نشریه آلمانی زودویچه تسایتونگ در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۸ به نقل از وزیر امور خارجه آمریکا آقای رکس تیلرسون تأیید کرد: "که نظامیان آمریکا برای مدت نامعلومی در سوریه باقی خواهند ماند. آنها باید امنیتی را مستقر کنند که گروه تروریستی داعش که از نظر نظامی بشدت سرکوب شده است، دوباره خودش را سازماندهی نکند. همزمان باید این حضور بر ضد نفوذ ایران در سوریه باشد و به این یاری کند که یک روند گذار سیاسی تحت رهبری سازمان ملل در سوریه پدید آید. وی منکر آن شد که آنها در حال سازماندهی یک گروه نظامی با شرکت یگانهای مدافع خلق (YPG) گرد برای حفاظت از مرزهای شمالی سوریه هستند. این امر بد فهمیده شده است..."

مبارزه این گردها در واقع مبارزه گرد برضد عرب است، نه مبارزه ملل سرکوب شده منطقه برضد امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه. از حالا روشن است که این راه آزموده شده به شکست مقتضحانه منجر می‌شود و متأسفانه آبرویی برای گردهای سوریه باقی نمی‌ماند. نشریه تایمز اسرائیل در چاپ چهارشنبه ۳۱ مه ۲۰۱۷ خود اطلاع داد که: "آمریکا ارسال اسلحه برای گردهای سوریه را آغاز کرده است."

این عده تحت عنوان "یگان‌های مدافع خلق" ملقمه‌ای از گردهای سوریه و اعراب "دموکراتی" هستند که تا دیروز با داعش همکاری می‌کردند و نام "ارتش آزادیبخش سوریه" را بر خود نهاده بودند. این عده در شمال سوریه به پاکسازی قومی از اعراب سوریه در این منطقه مشغولند و می‌خواهند با پاکسازی قومی، بخشهای کردستان عراق را به کردستان سوریه چسبانده و سپس در خدمت استراتژی امپریالیسم آمریکا به دریای مدیترانه متصل نمایند.

به گزارش العربیه، پیش از این وزارت دفاع آمریکا، اعلام کرده بود که دونالد ترامپ رئیس جمهور این .. ادامه در صفحه ۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند.

برخورد کمونیستی به مسئله ملی ...

کشور، دستور ارسال سلاح به نیروهای گرد و ایسته به حزب «اتحاد دموکراتیک سوریه» را صادر کرده است.

تی‌یری میسان par Thierry Meysan در مقاله‌ای تحت نام "هنگ-های آنارشیزست در خدمت ناتو" (Les Brigades anarchistes de l'Otan) نوشت: "در غرب آن را به مثابه اتوپی دوست داشتنی معرفی کرده‌اند، «روژاوا» (بخش گردنشین در شمال خاوری و شمال باختری سوریه که بخشی از استان‌های حسکه، رقه و حلب را در بر می‌گیرد)، اما روژاوا نوبرانه و خیلی تازه در واقع یک دولت استعماری‌ست که واشنگتن خواهان آن بود تا در خون نطفه ببندد. این بار طرح بر این اساس است که مردم شمال سوریه را از محل زندگی‌شان برانند و مردم دیگری را جایگزین کنند که در آنجا به دنیا نیامده‌اند. برای تحقق این پاکسازی قومی، پنتاگون و سیا مبارزانی را از بین چپ‌های افراطی اروپائی بسیج کرده‌اند. تی‌یری میسان این طرح را از یک سال و نیم پیش افشاء می‌کند. (شبکه ولتر دمشق (سوریه)

http://www.voltairenet.org | ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۷ (برگردان محوی)

این سیاست امپریالیسم آمریکا به امروز بر نمی‌گردد. در فوریه ۲۰۱۶، «تزار ضد تروریست» کاخ سفید، برت مک-گرک Brett McGurk به فرمان رئیس جمهور وقت آقای اوباما به منطقه اعزام شده بود تا شاهد نبرد عین‌العرب (کوبانی) باشد. به همین مناسبت از سوی یگانهای مدافع خلق (YPG) که همان ملقمه کردهای سوری و ارتش آزادیبخش داعشی سوریه است، مدال افتخار

ایرانی بنام وثوق الدوله که طرفدار منافع انگلیس است رئیس الوزراء شد. ما بوزیر مختار خود در تهران دستور دادیم قراردادی با دولت ایران منعقد سازد تا منافع انگلستان در آن خطه ی عالم محفوظ بماند ...".

با این قرار داد ننگین که رضا شاه موافق آن بود ایران به یک مستعمره انگلستان بدل شد. در حالیکه مبارزه مردم ایران بر ضد قرار داد ارتجاعی و امپریالیستی ۱۹۱۹ اوج می گرفت و قوای قزاق رضا خان در کنار انگلیسها علیه مبارزه استقلال طلبانه مردم ایران در خطه شمال به قتل و غارت مشغول بود انقلاب روسیه و بتدریج قدرت گرفتن بلشویکها در منطقه قفقاز نیروهای استعمار انگلیس را که در شمال ایران به اخلاگری و دخالت در امور روسیه مشغول بودند و بر ضد دولت جوان شوروی دسیسه چینی می کردند به عقب نشینی وادار می کرد. .. ادامه دارد

به توفان در تلگرام خوش آمدید

دریافت کرد. این اقدام واکنش رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه به این بازدید را به همراه داشت که تنش‌ها در روابط دو کشور را عیان‌تر کرد."

اردوغان طی اظهاراتی این اقدام مک گورک را محکوم و عنوان کرده بود: "وی درست در زمان مذاکرات ژنو به کوبانی سفر کرده و از یک ژنرال گرد مدال هدیه گرفته است" ما چگونه می‌توانیم به شما اعتماد کنیم؟ آیا این ما هستیم که متحد شمانیم یا تروریست‌های کوبانی؟"

هم اکنون این گردهای تجزیه‌طلب سوری یک پایگاه عظیم نظامی در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار داده‌اند تا به تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی همه خلقهای منطقه تجاوز کند. چنین سیاستی طبیعتاً ارتجاعی و به ضرر انقلاب مردم منطقه است و کودکانه است که آنرا به بهانه استفاده از تضاد امپریالیستها توجیه کنیم. حل مسئله گرد در همدستی با امپریالیستها با زدن نقاب "تاکتیک انقلابی" نیست، در همکاری با نیروهای انقلابی و مترقی سوریه و در چارچوب سوریه دموکراتیک به عنوان سیاست راهبردی خواهد بود.

برخورد تاریخی-سیاسی به وضعیت**حقوقی دریای مازندران**

عجین گشته است. کسانیکه از تجربه تاریخ ایران نمی آموزند و خائنانه به نفی واقعیت و ماهیت امپریالیسم مشغولند فقط می توانند ریگی در کفش داشته باشند.

لرد کرزن (Curson) وزیر خارجه ی انگلیس در گزارش محرمانه ی نهم اوت ۱۹۱۹ به کابینه دولت متبوع خود می نویسد: "یکسال پیش یک سیاستمدار

مقالات توفان الکترونیکی شماره آبان ماه ۱۳۹۷ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند**توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می شود**

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

http://toufan.org/ketabkane.htm
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

https://twitter.com/toufanhezbkar

https://www.facebook.com/toufan.hezbekar
https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توییتر

توفان در فیسبوک
توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

مبارزه با فساد و رشوه‌خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است

برخوردی تاریخی- سیاسی به وضعیت حقوقی

دریای مازندران (۱)

مقاله‌ای که از نظر خوانندگان توفان می‌گذرد در سال ۱۳۸۶ زمانی که برای نخستین بار مسئله بررسی وضعیت حقوق دریای (خزر؛ کاسپین؛ مازندران) مطرح شد از جانب حزب کار ایران (توفان) به رشته تحریر درآمد. از آنجا که مجدداً این بحث داغ شده است حزب ما لزوم طرح مجدد مسئله را برای یادآوری و روشن شدن بهتر مشاجرات احساس می‌کند. ما این سند را در چند شماره مسلسل توفان به اطلاع شما می‌رسانیم. (بر گرفته از توفان شماره ۹۳ آذر ماه ۱۳۸۶ ارگان مرکزی حزب کار ایران)

"امپریالیستها و ایران"

سلف قرارداد خائنه ۱۹۱۹ قرار داد ۱۹۰۷ منعقد بین بریتانیا و امپراتوری تزاری روسیه بود که ایران را به دو منطقه نفوذ بدل کرده بودند. منطقه بی طرف مرکز نیز توسط روسها در سال ۱۹۱۵ در مقابل وعده انگلیسها که پس از خاتمه جنگ جهانی اول بغازهای داردانل را در اختیار روسها بگذارد به انگلیسها واگذار شد. سرنوشت میهن ما همواره با دخالت‌های بی شرمانه استعمار گران و امپریالیستها عجین بوده است. اجانب با دخالت سلطه جویانه در ایران و حمایت از رژیمهای خود فروخته توانسته اند به کشور ما صدمات جبران ناپذیر وارد کنند. مبارزات مردم ما از جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت همواره یک لبه تیزش متوجه دخالت بیگانگان بوده است. امپریالیستها و بویژه امپریالیست انگلیس و تزاریس روسیه در زد و بند با یکدیگر برای بلعیدن ایران نقشه می کشیدند. مرو و خوارزم طی قرارداد ننگینی در سال ۱۲۸۹ ه. ش. به روسیه واگذار شد. در طی دو قرار داد گلستان در ۱۸۱۳ و ترکمانچای در ۱۸۲۸ سرزمینهای قفقاز و ماوراء آن از جمله گرجستان، باکو، گنجه، ایروان و قره باغ در اثر بی لیاقتی حکومت مذهبی و خرافاتی قاجار به تزارها واگذار شد. در زمان انقراض قاجاریه که جنبشهای انقلابی بر ضد قراردادهای استعماری در خطه شمالی ایران زمین سرکشیده بود استعمار انگلستان رضا خان قلدر و نوکر صفت را بر سر کار آورد تا با سرکوب نهضت آزادیبخش ایران و دادن نفت ایران با تعدد قرارداد داری به امپریالیسم انگلستان مرزهای جنوبی ایران را به مرکز دسیسه و توطئه بر ضد حکومت جوان سوسیالیستی شوروی بدل کند. دخالت امپریالیستها در ایران مانع پیروزی مردم ایران در ملی کردن صنعت نفت خود شد و شاه خائن پس از کودتای خائنه ۲۸ مرداد قرارداد ننگین کنسرسیوم را بر ضد مصالح ملت ایران تعدد کرد و به امپریالیستها که سالها نفت ایران را به معنای واقعی کلمه می دزدیدند و با لوله های مخفی انتقال نفت بدون نظارت به بصره می بردند خسارت داد. امپریالیستها از ترس اینکه در اثر استمرار انقلاب ایران و تعمیق آن رهبری انقلاب از دست نیروهای ارتجاعی مذهبی بدست نیروهای انقلابی بیفتد شاه دست نشانده را بردند و به ارتش توصیه کردند که بدون مقاومت به خمینی تمکین کند تا روند انقلاب بریده شود و سرکردگی مذهبیون برای مبارزه با کمونیسم تقویت و تامین شود. وقتی که خمینی به لگد زدن مشغول شد صدام حسین را با موشکها و گازهای سمی اش با رضایت رونالد رامزفلد و همه امپریالیستها به جان مردم ایران انداختند و در رسانه های گروهی خویش مانع شدند تا مردم جهان از این جنایات ضد بشری مستحضر شوند. آنها کوچکترین قطعنامه ای در شورای امنیت سازمان ملل بر ضد این جنایات ضد بشری به تصویب نرسانند. تاریخ مبارزه مردم ما با امپریالیسم ستیزی ... ادامه در صفحه ۷



برخورد کمونیستی به

مسئله ملی (۵)

برخورد کمونیستی به مسئله حق ملل در تعیین سرنوشت خویش در دوران امپریالیسم در عرصه عملی و مشخص

نظر حزب کار ایران (توفان) در مورد حل

مسئله ملی در ایران و در عراق و سوریه

۳- مسئله ملی گردها در سوریه

هم اکنون گردهای سوریه که در بدو امر در مقابل دسیسه آمریکان-اتو-ترکیه-عربستان سعودی-اسرائیل-داعش برای تجزیه و تجاوز به سوریه دست به مقاومت زده و محبوبیت کسب کردند، امروز به عنوان مُهره امپریالیسم آمریکا در منطقه عمل کرده و مانند گردهای عراق و ایران سرنوشت مبارزه برای کسب خودتعیینی سرنوشت را نه در همکاری و وحدت مبارزه جویانه خلقهای منطقه برای رهائی از چنگال امپریالیسم و گام نهادن به سوی سوسیالیسم، بلکه در جدا کردن راه خود از راه سایر نیروهای انقلابی در منطقه دیده و متحدان خود را از میان ارتجاع جهانی انتخاب می‌کنند. آنها به جای اینکه با نیروهای... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی

Postbank Hamburg

BLZ: 20110022

KontoNr.: 2573372600

Germany

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

آدرس مکاتبات

Toufan

Postfach 11 38

64526 Mörfelden-Walldorf

Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند